

ترکیب‌های برون‌مرکز در زبان لکی

فرانک نادری*

عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان، خرم‌آباد، لرستان، ایران.

چکیده

ترکیب از مهم‌ترین فرایندهای واژه‌سازی در زبان‌های جهان است که برای آن طبقه‌بندی‌های مختلفی ارائه شده‌اند و تحلیل ساختاری و معنایی آن همواره مورد توجه پژوهشگران حوزه صرف بوده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی انواع ترکیب‌های برون‌مرکز در زبان لکی است. در این راستا، ساختار صرفی انواع ترکیب‌های برون‌مرکز و اجزای تشکیل‌دهنده آن‌ها بررسی خواهد شد. داده‌های پژوهش شامل ترکیب‌های برون‌مرکزی است که از گفتار روزمره گویشوران لکی در محیط خانواده، محیط کار و جامعه اطراف پژوهشگر و همچنین از کتاب دوجلدی «فرهنگ و واژه‌نامه لکی» استخراج شده‌اند. این داده‌ها براساس طبقه‌بندی بائر (۲۰۱۷) تحلیل شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که همه انواع ترکیب‌های برون‌مرکز در طبقه‌بندی بائر (۲۰۱۷) شامل بهووری، ترکیبی، هم‌پایه، تحول‌یافته و استعاری در زبان لکی نیز یافت می‌شود. اما، تنوع ساختاری ترکیب‌های برون‌مرکز بهووری و ترکیبی به مراتب بیش از سه نوع دیگر است. یکی از ویژگی‌های مهم ترکیب‌های برون‌مرکز در زبان لکی، بسامد بالای نام‌اندام‌های بدن انسان و حیوانات است که این موضوع ریشه در سبک زندگی مردم لک‌زبان دارد. زندگی این مردم از قدیم مبتنی بر کشاورزی و دامداری بوده و برای انجام امور روزمره بیش‌ترین استفاده را از اندام‌هایی مانند دست و پا داشته‌اند. به عبارت دیگر، بدن‌مندی و اندام‌ها و فعالیت‌های بدنی نقش بارزی در ساخت ترکیب‌های برون‌مرکز در زبان لکی دارد.

واژه‌های کلیدی:

ترکیب
واژه مرکب
واژه‌سازی
ترکیب برون‌مرکز
زبان لکی

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۰ آذرماه ۱۴۰۱

پذیرش: ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۱

* آدرس ایمیل نویسنده مسئول: naderifaranak20@gmail.com

۱. مقدمه

ترکیب یکی از مهم‌ترین فرایندهای واژه‌سازی در زبان‌های دنیا است که در حوزه صرف مورد مطالعه قرار می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در حوزه صرف و به ویژه در مطالعات مرتبط با فرآیند ترکیب همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است، طبقه‌بندی انواع واژه‌های مرکب است. واژه مرکب واژه‌ای است که حاصل

ترکیب دو یا چند واژه دیگر باشد (بوی^۱، ۲۰۰۷: ۳۱۰). در همین زمینه در زبان انگلیسی و سایر زبان‌های غربی مطالعات گسترده‌ای انجام شده است. لیبر^۲ (۱۹۸۰) دو نوع عمده ترکیب را با عنوان ترکیب فعلی و ترکیب ریشه‌ای^۳ یا همان ترکیب غیرفعلی تقسیم‌بندی کرده است. بائر^۴ (۱۹۸۳) کلمات مرکب را به لحاظ معنایی به چهار دسته ترکیبات درون‌مرکز، برون‌مرکز، متوازن و دوسویه (یا بدل) تقسیم کرده است. در یکی از جدیدترین طبقه‌بندی‌ها که از سوی بائر (۲۰۱۷) ارائه شده است، ترکیب‌ها بر اساس نوع هسته در چهار گروه برون‌مرکز، درون‌مرکز، متوازن^۵، همچنین بدل یا دوسویه^۶ تقسیم‌بندی می‌شوند. طباطبایی (۱۳۸۲: ۳۳-۳۲) درباره کلمات برون‌مرکز می‌گوید برون‌مرکزها، بدون هسته‌اند و معنای آن‌ها قاعده‌مند نیست. او (۱۳۸۲) همچنین بیان می‌دارد که چون این کلمات بر اساس قیاس ساخته می‌شوند، معنای‌شان را بر اساس قیاس می‌توان درک کرد. مهم‌ترین مشخصه هسته، تعیین مقوله و واژگانی کل ترکیب است، مثلاً «کمردرد» اسم است چون هسته آن، یعنی «درد»، اسم است. برای مثال، عبارت «نامه‌نوشتن» یک عبارت فعلی است، چون هسته آن یعنی «نوشتن» فعل است. در مورد تمایز کلمات درون‌مرکز و برون‌مرکز، هسته نقش مهمی را ایفا می‌کند. بائر (۲۰۱۷) ترکیبات برون‌مرکز را با توجه به ساخت و کاربردشان به انواع مختلفی، در پنج گروه، تقسیم‌بندی می‌کند که شامل بهووریه^۷، ترکیبی^۸، هم‌پایه^۹، برون‌مرکزیت در اثر تغییرات زبانی یا تحول اجتماعی^{۱۰} و استعاری^{۱۱} که شرح آن‌ها در بخش دوم مقاله خواهد آمد.

هدف پژوهش حاضر بررسی ساختار انواع ترکیب‌های برون‌مرکز در زبان لکی است. زبان لکی یکی از زبان‌های ایرانی است که گویشوران زیادی در مناطق غربی کشور و به ویژه در مناطقی از استان‌های لرستان، کرمانشاه، ایلام و همدان دارد. دبیرمقدم (۱۳۹۳: ۸۶۲) زبان لکی را متعلق به شاخه غربی - شمالی زبان‌های ایرانی می‌داند که در مناطق شمال و شمال غربی استان لرستان، در مناطقی از خرم‌آباد و همچنین در مناطقی از استان‌های همدان، کرمانشاه و ایلام به آن تکلم می‌شود. از آن‌جا که دو استان کرمانشاه و ایلام در مرز ایران و عراق قرار دارند، زبان لکی را می‌توان در زمره زبان‌های مناطق مرزی ایران دانست. علاوه بر این، طبق نقشه‌ای که ایزدپناه (۱۳۹۱) از پراکندگی زبان لکی ارائه کرده است، این زبان در برخی از مناطق شهرستان دهلران در استان ایلام، که با عراق دارای مرز مشترک است، رواج دارد. در زبان لکی نیز مانند سایر زبان‌های دنیا، ترکیب مهم‌ترین فرایند

¹ G. Booij

² R. W. Lieber

³ root compounding

⁴ L. Bauer

⁵ dvandva

⁶ appositive

⁷ bahuvrihi compounds

⁸ synthetic compound

⁹ coordinative compound

¹⁰ exocentricity by language change or social change

¹¹ metaphorical compound

واژه‌سازی است و تعداد قابل توجهی از واژه‌های این زبان کلمه مرکب هستند. پرسش‌های اصلی پژوهش حاضر این است که: انواع ترکیب‌های برون‌مرکز در زبان لکی کدامند و ساختار این ترکیب‌ها از لحاظ اجزای سازنده چگونه است. تحلیل داده‌ها براساس طبقه‌بندی بائر (۲۰۱۷) صورت می‌گیرد که در ادامه به معرفی آن پرداخته می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد واژه‌سازی در زبان لکی و به ویژه فرآیند ترکیب در این زبان تا به حال پژوهش‌های علمی بسیار کمی صورت گرفته است که در این بخش مروری بر آن‌ها ارائه می‌شود. آزادپور (۱۳۹۲) قالب‌های ترکیب در زبان لکی را شامل ترکیب تکراری و ترکیب غیرتکراری می‌داند. منظور از ترکیب تکراری این است که یک اسم یا صفت یا فعل مانند /kot kot/ (پاره‌پاره)، یا /gol goli/ (گل‌گلی) تکرار می‌شود و واژه جدیدی می‌سازد. در واژگان مرکب غیرتکراری دو یا چند واژه/ تکواژ متفاوت کنار هم قرار می‌گیرند و واژه جدیدی می‌سازند.

- اسم + اسم: اسم، مانند /taf maxal/ (آتش‌منقل)

- اسم + صفت: صفت، مانند /mel qowin/ (گردن کلفت)

- صفت + اسم: اسم، مانند /espe qwi/ (سفیدکوه)

- اسم + بن مضارع: اسم، مانند /deruzen/ (دروغ‌گو)

- اسم + بن مضارع: صفت، مانند /xoda xa/ (دل‌پسند)

عزیزی (۱۳۹۴) به بررسی فرایندهای واژه‌سازی در گویش لکی بر اساس نظریه زایشی (آرونف،^۱ ۱۹۷۶) می‌پردازد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در گویش لکی نیز مانند بیش‌تر زبان‌های دنیا، دو فرآیند ترکیب و اشتقاق نسبت به سایر فرایندهای واژه‌سازی از زایایی بیش‌تری برخوردارند. در نتیجه، بیش‌تر واژه‌های غیربسیط لکی از نوع مرکب یا مشتق هستند. عزیزی (۱۳۹۴) فرآیندهای واژه‌سازی در زبان لکی را شامل اشتقاق (gursan = قبرستان، گورستان)، ترکیب (dæsgirani = نامزدی)، تکرار (gorai gor = مدام، پیایی)، تبدیل (xas = خوب؛ که در اصل صفت است اما به عنوان اسم نیز به کار می‌رود)، نام‌آوا (zriŋæ = صدای وزوز، وزوز گوش)، گسترش استعاری (langin = نوعی پالان بزرگ برای الاغ که امروزه برای اشاره به هر چیز گشاد به کار می‌رود) و وام‌گیری واژگانی (telizun = تلویزیون) معرفی می‌کند.

غلامی (۱۳۹۵) نیز در اشاره مختصری به انواع ترکیب در لکی می‌کند و آن‌ها را شامل چهار دسته می‌داند: ترکیب اضافی (zæn bawə = زن‌بابا)، ترکیب اضافی مقلوب (bawə zæn = زن‌بابا)، ترکیب وصفی (miruʒ soræ = مورچه قرمز) و ترکیب وصفی مقلوب (soræ miruʒ = مورچه قرمز).

¹ M. Aronoff

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در هیچ یک از آثار منتشرشده درباره‌ی واژه‌سازی زبان لکی، ترکیب‌های برون‌مرکز این زبان به صورت دقیق و کامل مطالعه نشده‌اند و طبقه‌بندی جامعی از آن‌ها براساس نظریات زبان‌شناسی ارائه نشده است. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های یادشده در این است که می‌کوشد با تمرکز بر انواع ترکیب‌های برون‌مرکز در زبان لکی، آن‌ها را براساس رویکرد بائر (۲۰۱۷) طبقه‌بندی و تشریح کند.

در آثار پژوهشگران خارجی بحث‌های زیادی پیرامون ساختار واژه‌های مرکب طبقه‌بندی آن‌ها صورت گرفته است. فاب^۱ (۱۹۹۸) کلمات مرکب را به سه نوع درون‌مرکز، برون‌مرکز و متوازن (یا هم‌پایه) تقسیم می‌کند و معتقد است جایگاه هسته در کلمات مرکب درون‌مرکز، در هر زبانی مشخص است. او (۱۹۹۸) می‌گوید که معنای کلمه‌های مرکب ترکیبی غیرقابل پیش‌بینی است.

کاتامبا^۲ (۱۹۹۳) به کلمات مرکب برون‌مرکز اشاره می‌کند که به لحاظ معنایی رابطه‌ی هسته-توصیف‌کننده در آن‌ها برقرار نیست. مثلاً «گلخانه» به معنی خانه‌ی سبز نیست. وی معتقد است که معنای کلمات مرکب بدون مرکز شفاف نیست و این خود دلیلی است که این کلمات باید در فرهنگ لغت ثبت شوند. وی (۱۹۹۳) همچنین همانند بائر (۱۹۸۳) کلمات مرکب را از نظر معنایی به چهار دسته‌ی درون‌مرکز، برون‌مرکز، متوازن و بدل تقسیم می‌کند. کاتامبا (۱۹۹۳) کلمات مرکب بدون مرکز را فاقد هسته‌ی معنایی دانسته و کلمه‌ی مرکب در شمول هسته‌ای قرار می‌گیرد که در خارج از آن است. هاسپلمت^۳ (۲۰۰۲) کلمات مرکب را از نظر معنایی به چهار دسته‌ی درون‌مرکز، برون‌مرکز، متوازن و بدل تقسیم می‌کند. وی کلمات مرکب بدون مرکز را فاقد هسته‌ی معنایی دانسته و کلمه‌ی مرکب در شمول هسته‌ای قرار می‌گیرد که در خارج از آن است.

بائر (۱۹۸۳) بر مبنای معیار معنایی، کلمات مرکب را به چهار دسته‌ی درون‌مرکز، برون‌مرکز، بدل و متوازن طبقه‌بندی می‌کند. او کلمات مرکب درون‌مرکز را آن‌هایی می‌داند که تمام کلمه‌ی مرکب در شمول معنایی^۴ هسته‌ی آن قرار می‌گیرد. بائر (۱۹۸۳) در این قسمت از دو مثال beehive (کندوی زنبور عسل) و armchair (صندلی راحتی) نام می‌برد. واژه‌ی hive در beehive نوعی کندو است و chair در armchair نوعی صندلی است. او، همچنین، کلمات برون‌مرکز را کلماتی می‌داند که در شمول معنایی هسته قرار نمی‌گیرند. مانند redskin (سرخ‌پوست) و highbrow (روشن‌فکر) که ترکیب‌پذیر^۵ معنایی نیستند و واژگان skin (پوست) و brow (پیشانی) نمی‌تواند در آن‌ها هسته باشد. در واقع، این نوع کلمات مرکب در شمول معنایی هسته‌ای قرار می‌گیرند که ذکر نشده است.

^۱ N. Fabb

^۲ F. Katamba

^۳ M. Haspelmath

^۴ hyponym

^۵ compositionality

پژوهش حاضر براساس طبقه‌بندی بائر (۲۰۱۷) است. بائر با توجه به عدم وجود مرکزیت معنایی در اجزای سازنده ترکیبات آن را بدون مرکز قلمداد می‌کند. او همچنین بر اساس ساختارهای مختلف تشکیل این کلمات و برون‌داد ایجاد شده تقسیماتی را برای این ترکیبات در نظر می‌گیرد که شکل‌گیری برآیندهای ذهنی متفاوت سبب ایجاد این تقسیمات شده است. عدم ارتباط معنایی این ترکیبات با اجزای سازنده و ارجاع معنای این ترکیبات به جهان خارج از زبان خود دلیلی واضح برای این تقسیمات معنای ترکیبات برون‌مرکز از دیدگاه بائر (۲۰۱۷) بوده است. وی، همچنین، پنج نوع از ترکیبات برون‌مرکز را بیان می‌کند، و در عین حال معتقد است که فهرست بیش‌تری می‌توان به آن اضافه کرد.

الف. ترکیب‌های بهووری‌بھی: این ترکیب‌ها شامل ترکیب ملکی^۱، تلویحی^۲ و وصفی^۳ است. ترکیب بهووری‌بھی برگرفته از نام سانسکریت ترکیب‌های برون‌مرکز است. این ترکیبات شامل ساختارهای اسم/ صفت/ فعل با اسم هستند.

ب. ترکیب‌های ترکیبی^۴: ساختار این ترکیب از فعل با موضوع فعل به دست می‌آید در این ترکیب از بحث موضوع‌پذیری^۵ استفاده شده از بحث‌های موضوع معنایی مواردی مانند عامل^۶ (انجام‌دهنده فعل)، ابزار^۷ (انجام فعل)، بهره‌ور^۸ (از انجام فعل)، حالت^۹ (حاصل از انجام فعل) و مکان^{۱۰} (انجام فعل) را بیان می‌دارد.

ج. ترکیب‌های هم‌پایه^{۱۱}: در این نوع ترکیب برون‌مرکز، از ساختار یکسان، هم‌پایه‌ای و هم‌مقوله‌ای استفاده می‌شود.

د. برون‌مرکزیت تغییرات زبانی یا تحول اجتماعی^{۱۲}: ترکیباتی هستند که حاصل مجموعه دو یا چند واژه هستند و اجزای سازنده آن برای اهل زبان ترکیب‌پذیر نیستند. تحول و دگرگونی معنایی چندین صورت مختلف ممکن است ایجاد شود. همچنین، تحولات معنایی ممکن است به صورت‌های محدودیت^{۱۳}، گسترش^{۱۴} و انتقال معنی^{۱۵} نمایان شوند.

¹ possessive compound

² synecdoche compound

³ adjectival compound

⁴ synthetic compound

⁵ argumental

⁶ agent

⁷ instrumental

⁸ benefactive

⁹ manner

¹⁰ locative

¹¹ coordinative compound

¹² exocentricity by language change or social change

¹³ limitation compound

¹⁴ extension compound

¹⁵ transition compound

۵. ترکیب‌های استعاری^۱: در این ترکیب ممکن است ساختار ترکیب به صورت پنهانی و در یک پایه سازنده پنهان باشد و فقط به لحاظ معنایی، شکل ترکیبی ایجاد کند، ولی به لحاظ ساختاری شامل یک واژه باشد. البته گاهی گویشوران از اصل کم‌کوشی^۲ در این ترکیب استفاده می‌نمایند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

داده‌های پژوهش حاضر شامل واژه‌های مرکب برون‌مرکزی است که جمع‌آوری آن‌ها از دو منبع صورت گرفته است: یکی گفتار روزمره گویشوران لکی در محیط خانواده، محیط کار و جامعه اطراف پژوهشگر و دیگری کتاب دوجلدی «فرهنگ و واژه‌نامه لکی» (کیانی کولیوند، ۱۳۹۰). نویسنده این کتاب برای جمع‌آوری واژه‌های اصیل و قدیمی لکی و کشف معانی و مفاهیم مختلف آن‌ها به همه شهرها و روستاهایی که محل زیست افراد لک‌زبان بوده سفر کرده و حتی با عشایر اصیل و کهن‌سالان لک‌زبان نیز دیدار و گفت‌وگو داشته است. لازم به ذکر است که نگارنده مقاله گویشور زبان لکی است و برای اعتبارسنجی و ارزیابی داده‌ها از شم زبانی خود استفاده کرده است. پس از گردآوری داده‌ها، انواع ترکیب‌های برون‌مرکز براساس طبقه‌بندی بائر (۲۰۱۷) بررسی و شناسایی شده و سپس ساختار صرفی و اجزای تشکیل‌دهنده آن‌ها به کمک مثال‌های متعدد در قالب جدول‌هایی شرح داده می‌شود.

۴. تحلیل داده‌ها

واژه‌های مرکب لکی را بر اساس دیدگاه بائر (۲۰۱۷) به صورت ذیل در پنج گروه می‌توان دسته‌بندی کرد: به‌ووریهی، ترکیبی، هم‌پایه، برون‌مرکز ناشی از تحول زبانی یا اجتماعی، استعاری. در ادامه، هر یک از این ساختارها بررسی می‌شوند.

۴-۱. ترکیبات به‌ووریهی

به‌ووریهی کلمه‌ای برگرفته از زبان سانسکریت به معنای مرکب برون‌مرکز است. این نوع ترکیب شامل ترکیب‌های ملکی و وصفی است که در ذیل به اختصار به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۴-۱-۱. ترکیبات ملکی و ساختار طرح‌واره‌ای آن‌ها

این ترکیبات زیرمجموعه ترکیبات برون‌مرکزی هستند که بر اساس رویکرد معنایی، نشان‌دهنده هسته اسمی پنهان هستند که این هسته ممکن است انسان یا خصوصیت‌های انسانی را نشان دهد. این ترکیب از براینده یک صفت و یک اسم حاصل می‌شود که صفت را می‌توان با کمیت‌نماها^۳، اسم و فعل به صورت زیر جایگزین کرد.

^۱ metaphorical compound

^۲ effortless principle

^۳ quantifier

ترکیب اسم + صفت (N + Adj)

ترکیب صفت + اسم (ADJ + N)

ترکیب اسم + اسم (N + N)

ترکیب کمیت‌نما + اسم (Q + N)

واژه‌هایی که در این ساختارهای طرح‌واره‌ای حضور می‌یابند، شامل نام حیوانات، اشیاء، مکان‌ها، نام گیاهان، صفات و خصوصیات انسانی و حالت‌های انجام کارها است. از بررسی داده‌ها چنین برمی‌آید که بسامد رخداد این دسته از مرکب‌های برون‌مرکز در این زبان بسیار بالا و از زایایی بالایی برخوردار است.

جدول ۱.

ساختار اسم + صفت

مقوله ترکیب	معنای ترکیب	معنای اجزا	مقوله اجزا	اجزای سازنده	واژه برون‌مرکز لکی
Adj	سرافراز	سر + بالا	N + A	sær+bærz	sær bærz
N	جغد کوهی	بز + لاغر	N + A	bezæ+læræ	bezæ læræ
Adj	بی‌عرضه	دهان + پهن	N + A	dæm+vela	dæm vela
N	نوعی گیاه	ته + قرمز	N + A	ben+sour	ben sūr
Adj	زورگو	گردن + کلفت	N + A	mel+qoin	mel qoin
Adj	مهمان‌نواز	خانه + دست و دل باز	N + A	hon+hawoan	hon hawon
Adj	مبتلا به بیماری پوستی	دست + سفید	N + A	dæs+baz	dæs baz
Adj	کوتاه قد	دست + کوتاه	N + A	dæs+kol	dæs kol
Adj	بی‌ریخت	دهان + زشت	N + A	dæm+gæn	dæm gæn
Adj	اخمو	بینی + زشت	N + A	pet+gæn	pet gæn
Adj	بد شگون	پا + سیاه	N + A	paŋfek+sé	paŋfek sé

از تحلیل جدول (۱) در مورد کلمات برون‌مرکز در لکی چنین بر می‌آید که زایایی این ساختار در این زبان بیش‌تر بوده و در مورد مقوله هسته پنهان، صفت بیش‌تر از مقوله‌های دیگر و کاربرد این واژه برون‌مرکز، بیش‌تر از اندام‌واژه‌ها تشکیل شده است.

جدول ۲.

ساختار صفت + اسم

مقوله ترکیب	معنای ترکیب	معنای اجزا	مقوله اجزا	اجزای سازنده	واژه برون‌مرکز لکی
N	نوعی پرنده	سیاه + پرنده	A + N	sé+kærg	sé kærg
Adj	نترس	برجسته + گردن	A + N	bælæh+mel	bælæh mel
Adv	آخر	ته + دنباله	A + N	tejæh+tu	tejæh tu

مقوله ترکیب	معنای ترکیب	معنای اجزا	مقوله اجزا	اجزای سازنده	واژه برون‌مرکز لکی
Adj	گرد و غبار هوا	بدی هوا + گرد و غبار	A + N	tejæmə+tuz	tejæmə tuz
Adj	غمگین	غم + بار	A + N	xæmə+bar	xæmə bar
Adj	بدشانس	غم + طالع	A + N	xæmə+ræfdæ	xæmə ræfdæ
Adj	مریض	درد + بار	A + N	dærdæ+bar	dærdæ bar

جدول ۳.

ساختار اسم + اسم

مقوله ترکیب	معنای ترکیب	معنای اجزا	مقوله اجزا	اجزای سازنده	واژه برون‌مرکز لکی
N	نوعی پرنده	آتش + پرنده کوچک	N + N	ʔager+meliʔ	ʔager meliʔ
N	وسيله‌ای برای خرمن کوبیدن	برگ + چوب	N + N	bærgə+ʔou	bærgə ʔu
N	نوعی گیاه	برنج + داس	N+N	berindz+das	berindz das
N	نوعی گیاه تزیینی	بز + ریشه	N + N	bezæ+rifæ	bezæ rifæ
N	مراسم پاگشا	خانه پدری + عروس	N + N	bawen+bowei	bawen bowei
N	هدهد	پایی + حضرت سلیمان	N + N	papi+seləmoni	papi seləmoni
Adj	چگر گوشه	اتصال + دل	N + N	bæn+del	bæn del
N	بهانه	دست + پیچ	N + N	dæs+piʔ	dæs piʔ
Adj	عصبانی	دست + گرز	N + N	dæsæ+gorz	dæsæ gorz
N	پشیمانی	دست + دندان	N + N	dæsæ+deno	dæsæ deno
N	تعظیم	دست + سینه	N + N	dæsæ+sinæh	dæsæ sinæh
Adj	ناتوان	دست + دم	N + N	dæsæ+dom	dæsæ dom
Adj	صمیمی	دست + گردن	N + N	dæsæ+mel	dæsæ mel
N	دوست و برادر	دست + برادر	N + N	dæsæ+bera	dæsæ bera
Adj	آماده دعوا	دست + مشت	N + N	dæsæ+mest	dæsæ mest
N	سربالایی	دست + بالایی	N + N	dæsæ+benar	dæsæ benar
Adj	شکم‌پرستی	دست + شکم	N+N	dæs+læm	dæsæ læm

تحلیل ساختار طرح‌واره‌ای اسم + اسم در لکی از فراوانی زیادی برخوردار بوده و نام حیوانات و به طور خاص در نام پرندگان از این ساختار استفاده شده است. برآیند معنایی این ساختار در لکی هم اسم هم صفت است و بیش‌تر اسم مورد استفاده قرار می‌گیرد. نکته قابل توجه این است که اندام دست در بین مردمان لک‌زبان به علت این‌که اکثراً به کارهای کشاورزی و دامپروری مشغول هستند از اهمیت خاصی برخوردار است و در بیش‌تر این کلمات از واژه «دست» استفاده می‌شود. نکته قابل توجه دیگر این‌که از خصوصیت شباهت برای بیان ویژگی‌های

انتزاعی استفاده می‌شود و گمان می‌رود که گویشوران لک‌زبان با توجه به نوع نگرش و رفتار زبانی خویش از کلمات مرکب برون‌مرکز استفاده کرده‌اند و در این بین شباهت و ارجحیت بعضی از ایده‌های آن‌ها که نشان از روحیهٔ عشایری و شهامت‌طلبی آن‌ها می‌باشد، در این کلمات کاملاً مشهود است.

جدول ۴.

ساختار کمیت‌نما + اسم

مقولهٔ ترکیب	معنای ترکیب	معنای اجزا	مقولهٔ اجزا	اجزای سازنده	واژهٔ برون‌مرکز لکی
Adj	کامل و تمام	شش + پایه	Q + N	ʃæf+bæs	ʃæf bæs
Adj	محکم	شش + اتصال	Q + N	ʃæf+bæn	ʃæfbæn
Adj	قوی و زورمند	شش + گردن	Q + N	ʃæf+mel	ʃæf mel
Adj	مردانی بسیار تنومند و قوی	شش + کلیه	Q + N	ʃæf+gordalæ	ʃæf gordalæ
N	صندوق	هزار + وسیله	Q + N	Hezar+ piʃæ	hezar piʃæ
N	کوه‌های تودرتو	هفت + کوه	Q + N	hæft+kæf	hæft kæf
N	غسل	هفت + آب	Q + N	hæft+ʔaw	hæft ʔaw
Adj	بسیار محکم	هفت + قفل	Q + N	hæft+qəlfi	hæft qəlfi
Adj	سخت‌جان، پرتاقت	هفت + جان	Q + N	hæft+gəju	hæft gəju
Noun	اختاپوس	هفت + سر	Q + N	hæft+sær	hæft sær
Adj	ناقلا	هفت + خال	Q + N	hæft+xal	hæft xal
N	اجداد	هفت + پهلو	Q + N	hæft+pəjæli	hæft pəjæli

در تحلیل ساختار اعداد + اسم در لکی که منجر به تشکیل واژهٔ برون‌مرکز می‌شود، هستهٔ پنهان و خارج از زبان معمولاً هم صفات انسانی و هم وسایل مورد نیاز را در بر می‌گیرد و به ندرت نام جانوران و پرندگان را به جز چند مورد شامل می‌شود. در ساختار اعداد با اسم، با توجه به عقاید مذهبی لک‌زبانان و قداست عدد هفت، زایایی این عدد در این ترکیبات بیش‌تر بوده و در مورد کارهایی که نیاز به اهمیت و ارزش بیش‌تری دارند از اعداد هفت و شش بیش‌تر استفاده شده است. نکتهٔ قابل توجه این‌که تصویر ذهنی گویشوران لک‌زبان از اعداد بیش‌تر از یک تا ده در این ساختار به مراتب بیش‌تر بوده است. شایان ذکر است که در خصوص اعداد کسری در لکی برخلاف زبان معیار فارسی جای مخرج و صورت عوض می‌شود (مانند / pændʒ yæk / یک‌پنجم). همچنین، اعداد توزیعی یا تقسیمی به دو صورت کاربرد دارند. مانند نمونه‌های (a, b, c) که با تکرار عدد و معمولاً به همراه پسوند به‌کار می‌روند.

- yak-e-yake
- sé-ar-sé
- hæfta hæfta

در نمونه‌های (a, b, c)، نوعی تقارن و توازن معنایی، بسته به بافتی مشاهده می‌شود که این کلمات مرکب در آن به کار می‌روند. گاهی معنای هسته برون‌مرکز بهینه‌ترین را مشخص می‌کند (البته صرفاً در مورد تکرار عدد یک با پسوند میانی).

۴-۱-۲. ترکیبات تلویحی

دسته‌ای دیگر از ترکیبات به‌وویری از ترکیب اسم و صفت ساخته می‌شوند، و تلویحاً به شخص غایبی اشاره دارند. در این ترکیبات علاوه بر مؤلفه معنایی، تفاوت ساختاری هم مشاهده می‌شود. مثال‌های *paɬfæk zærin* (به معنای دختری که پس از او پسری به دنیا بیاید) و *ʃæwəl süɾ* (به معنای آرزوی مرگ برای زن شوهردار تا شوهرش همسر دیگری را اختیار کند) و *paɬfæk sé* (به معنای فرزندی که بعد از او دختری متولد می‌شود).

۴-۱-۳. ترکیبات وصفی

ساختار زیرطرح‌واره‌ای این ترکیبات از صفت + فعل (*Adj + V*) و صفت + اسم (*Adj + N*) تشکیل شده است که خصوصیات را برای افراد و اشیا در نظر می‌گیرند. این ترکیبات، ترکیبات وصفی هستند.

جدول ۵.

ساختار صفت + فعل و صفت + اسم

مقوله ترکیب	معنای ترکیب	معنای اجزا	مقوله اجزا	اجزای سازنده	واژه برون‌مرکز لکی
N	غم	شاد + برهم‌ریخته	Adj + V	ʃar+ʃoja	ʃar ʃoja
N	منافق	شر + آوردن	Adj + V	ʃær+ ʔawar	ʃær ʔawar
V	دنبال در دسر گشتن	شر + خریدن	Adj + V	ʃær + xerin	ʃær xerin
N	سفیدکوه	سفید + کوه	Adj + N	ʔespé+ kowə	ʔespé kowə
N	سرداب	سرد + آب	Adj + N	særd+ aw	særd aw
Adj	خوش‌فرم	زیبا + ترکیب	Adj + N	xowæf+ pu	xowæf pu
Adj	نیشخند	زرد + خنده	Adj + N	zærdæ+ xænæ	zærdæ xænæ
Adj	آب زیر کاه	زرد + مار	Adj + N	zærdæ+ mar	zærdæ mar
N	زردزخم	زرد+ بی رنگ	Adj + N	zærdæ+ ræf	zærdæ ræf

۴-۲. ترکیب‌های ترکیبی

این دسته از ترکیب‌ها ساختار فعل + موضوع فعل دارند. ترکیبات ترکیبی، آن‌هایی هستند که هسته‌شان از فعل است. در صورتی که پیش از فعل ساده یا پیشوندی یک یا چند تکواژ مستقل بیاید و با آن ترکیب شود کلمه حاصل «فعل مرکب» است. جزء اول فعل مرکب اسم، صفت و یا قید است که صرف نمی‌شود و تغییر نمی‌کند، اما ستاک فعلی، صرف می‌شود. فعل مرکب، وقتی تشکیل می‌شود که دو یا چند جزء تشکیل‌دهنده، معنای اولیه خود را از دست بدهند و مجموع آن‌ها، معنای سومی را به ذهن القا کند. در زبان لکی فعل مرکب برحسب ترکیب اجزا به انواع زیر تقسیم می‌شود:

- (الف) ترکیب اسم + فعل (N + V)
 (ب) ترکیب صفت + فعل (Adj + V)
 (ج) ترکیب قید + فعل (Adv + V)
 (د) ترکیب حرف اضافه + اسم + فعل (Prep + N + V)

جدول ۶.

ساختار اسم + فعل

مقوله ترکیب	معنای ترکیب	معنای اجزا	مقوله اجزا	اجزای سازنده	واژه برون‌مرکز لکی
N	نوعی وسیله و کاری که فرد انجام می‌دهد	وجین + کردن	N + V	ʔala + kær	ʔala kær
Adj	زرتنگ	آتش + هستی	N + V	ʔageri+ kin	ʔageri kin
N	نوعی گیاه آبی	آب + گرفتن	N + V	ʔaw+ gæræk	ʔaw gæræk
N	میراب، مسئول تقسیم آب	آب + جابجا کردن	N + V	ʔaw + mal	ʔaw mal
N	مکانی پخت نان به وسیله ساج	ساج + حرارت دادن	N + V	sadʒ + tawæ	sadʒ tawæ
N	ماه برگریزان	قیافه + افتادن	N + V	tül + tækən	tül tækən
Adj	اهل خشونت و عصبانیت	صدا + آمدن	N + V	dæj + hati	dæj hati
N	نوعی گیاه	آب + چیدن	N + V	ʔaw+ʃæn	ʔaw ʃæn
N	نامزد	دست + گرفتن	N + V	dæs + giro	dæs giro
N	رقص	دست + گرفتن	N + V	dæs + gærten	dæs gærten
N	دارکوب	درخت + سوراخ کردن	N + V	dar + torkenæk	dar torkenæk

در تحلیل ساختار اسم + فعل، هسته پنهان ترکیب برون‌مرکز ناشی از تصویر ذهنی گویشوران لک‌زبان بوده است. همچنین، با توجه به این‌که افراد لک‌زبان بیش‌تر از طریق تشابهات و مطابقت اشیا و حتی جانوران

پیرامون‌شان اقدام به ترکیب کلمات می‌کنند، از این رو منجر به ایجاد کلمات مرکب برون‌مرکز شده است. ذهنیت و تصویر ذهنی گویشوران لک‌زبان، برگرفته و الهام‌گرفته از طبیعت منطقه کوهستانی آن‌ها و مسائل مرتبط با شغل و زندگی عشایری و دست‌جمعی آن‌ها است. همچنان که در این ساختار از موضوع‌پذیری فعل، و تعیین عامل بودن و بهره‌وری و ابزاری و... فعل را به صورت‌های متفاوتی بیان می‌دارد. بیش‌ترین و پربسامدترین برآیند این ساختار، مقوله اسم است که این اسم شغل افراد، جا و مکان، نام حیوانات، پرندگان و نام وسایل مورد نیاز و همچنین انواع مراسمات و غیره را در برمی‌گیرد. در ساختار اسم + فعل، گاهی هسته غایب یا پنهان صفات انسانی را شامل می‌شود که از بسامد کم‌تری برخوردار است.

جدول ۷.

ساختار صفت + فعل

مقوله ترکیب	معنای ترکیب	معنای اجزا	مقوله اجزا	اجزای سازنده	واژه برون‌مرکز لکی
Adj	خجالت کشتن	خاکستری + شدن	A + V	bura + bin	bura bin
Adj	بد سرشت، بد ترکیب	بد + درست شده	A + V	bæd + be:ɾya	bædberja
Adj	جمع‌آوری زیاده از حد	چاق + جمع کردن	A + V	tæpələ + ko	tæpələko
Adj	خوش‌هیكل	زیبا + درست شده	A + V	tæxt + be:ɾya	tæxtbe:ɾya

برآیند ساختار صفت + فعل، عمدتاً به هسته غایب صفتی اشاره می‌کند و این صفت عمدتاً اشاره به خصوصیات انسانی دارد.

جدول ۸.

ساختار قید + فعل

مقوله ترکیب	معنای ترکیب	معنای اجزا	مقوله اجزا	اجزای سازنده	واژه برون‌مرکز لکی
N V	توطئه	زیر + گذاشتن	Adv + V	zir + najn	zir najən
V	بر عهده گرفتن	جلو + گرفتن	Adv + V	vera + ge:ɪten	vəra gə:ɪten
V	به تعویق انداختن	عقب + انداختن	Adv + V	doma + ʔawʃtən	doma ʔawʃtən
N	پرحرف	زیاد + گو	Adv + V	fə:ræ + væʃ	fə:ræ væʃ

این ساختار، می‌تواند به صورت ساختارهای فرعی زیر هم در گونه لکی به کار برده شود:

جدول ۹.

ساختار قید + فعل + قید

مقوله ترکیب	معنای ترکیب	معنای اجزا	مقوله اجزا	اجزای سازنده	واژه برون‌مرکز لکی
N	زیاده‌خواهی، حرص و طمع	زیاد + گرفتن + جلو	Adv + V + Adv	Fəɹæ+gəɹtie+vəɹɒ	fəɹæ gəɹtije vəɹɒ

جدول ۱۰.

ساختار فعل + قید

مقوله ترکیب	معنای ترکیب	معنای اجزا	مقوله اجزا	اجزای سازنده	واژه برون‌مرکز لکی
N	تاخیر، تعلل، تعویق انداختن	انداختن + عقب	V + Adv	ʔawɔʃtjæsie+ doma	ʔawʃtjæsɪ doma

جدول ۱۱.

ساختار اسم + قید + فعل

مقوله ترکیب	معنای ترکیب	معنای اجزا	مقوله اجزا	اجزای سازنده	واژه برون‌مرکز لکی
V	کوتاه آمدن، تسلیم شدن (بیشتر در مورد روابط همسران کاربرد دارد)	دست + زیر گرفتن	N + Adv + V	dæs + ʒir + gəɹten	dæs ʒir gəɹten
V	زیاد گرفتن	دست + بالا + گرفتن	N + Adv + V	dæs + belej + gəɹten	dæs belej gəɹten

جدول ۱۲.

ساختار حرف اضافه + اسم + فعل

مقوله ترکیب	معنای ترکیب	معنای اجزا	مقوله اجزا	اجزای سازنده	واژه برون‌مرکز لکی
V	خجالت کشیدن	از + رو + رفتن	Pre + N + V	ʔé + roy + ʃɪn	ʔé roy ʃɪn
V	مثال زدن	از + سر + آوردن	Pre + N + V	ʔér+sær +owerden	ʔér sær owerden
V	فراموش کردن	از + سر + رفتن	Pre + N + V	ʔe+sær+ʃɪn	ʔe sær ʃɪn
V	کینه نداشتن	از + دل + رفتن	Pre + N + v	ʔe +del + ʃɪn	ʔe del ʃɪn

۳-۴. ترکیب‌های هم‌پایه

این ترکیب‌ها از دو جزء تشکیل شده‌اند که هر کدام از پایه‌ها می‌تواند جزئی از ترکیب باشد و یا کل ترکیب به طبقه‌ای کاملاً مجزا برگردد. به این دلیل این ترکیب‌های هم‌پایه می‌توانند به دو گروه طبقه‌بندی شوند.

۴-۳-۱. ترکیب‌های هم‌پایه با حفظ طبقه اجزا

در این ترکیب‌ها هر کدام از پایه‌ها، به پایه‌ای از طبقه اشاره می‌کنند و تمام ترکیب هم مقوله است.

جدول ۱۳.

ترکیب‌های هم‌پایه با حفظ طبقه (اسم + اسم)

مقوله ترکیب	معنای ترکیب	معنای اجزا	مقوله اجزا	اجزای سازنده	واژه برون‌مرکز لکی
N	خس و خاشاک	پر + خاشاک	N + N	pær+piʃ	pærəpiʃ
N	شاخ و برگ	شاخه + برگ	N + N	pæl+puo	pæləpu
N	اسباب، اثاثیه	بار + اثاث	N + N	bar+ bendʒæl	baro bendʒæl
N	شاخه‌های ریز و درشت خشک‌شده درختان	شاخه کوچک خشکیده + چوب	N + N	ʃelo+ʃu	ʃeləʃu

جدول ۱۴.

ترکیب‌های هم‌پایه با حفظ طبقه (فعل + فعل)

مقوله ترکیب	معنای ترکیب	معنای اجزا	مقوله اجزا	اجزای سازنده	واژه برون‌مرکز لکی
N	استتار	پوشاندن + پیچیدن	V + V	pæl+piʃ	pæləpiʃ
N	معاشرت	رفتن + آمدن	V + V	haten+ ʃin	hatən ʃin
N	صمیمیت	گفتن + رفتار	V + V	goft+left	goft-o-left
N	معمد و مورد قبول	بریدن + کشتن	V + V	büer +bokoʃ	büərbokoʃ
N	تصمیم‌گیرنده	بریدن + گشودن	V + V	büer+goʃ	büərogoʃ

۴-۳-۲. ترکیب‌های هم‌پایه بدون حفظ طبقه اجزا

ترکیبی که از لحاظ مقوله یکسان است اما مقوله برون‌دادش متفاوت است و از لحاظ معنایی نیز رابطه خود را با اجزای سازنده حفظ نکرده است.

جدول ۱۵.

ترکیب‌های هم‌پایه بدون حفظ طبقه

مقوله ترکیب	معنای ترکیب	مقوله اجزا	معنای اجزا	اجزای سازنده	واژه برون‌مرکز لکی
N	مدام و پیاپی	Adv+Adv	تند + تند	hüt+hüt	hütohüt
V	طفره رفتن	N + N	این طرف + آن طرف	ʔelo+ ælâ	ʔelo æla

۴-۳-۳. ترکیب‌های انتقالی

این ترکیب‌ها دارای معنای واضحی هستند ولی در طبقه معنایی دور از انتظاری به کار می‌روند. در ترکیب‌های انتقالی، معنای تحت‌لفظی کلمات با معنایی هسته کاملاً متفاوت هستند.

جدول ۱۶.

ترکیب‌های انتقالی

مقوله ترکیب	معنای ترکیب	مقوله اجزا	معنای اجزا	اجزای سازنده	واژه برون‌مرکز لکی
Adj	دلیر و شجاع	N+N	جگر + دارنده	dʒijær+dar	dʒijærdar
Adj	تنگ‌نظر	N+Adj	چشم + تنگ	ʃɔjæm+ tæŋ	ʃɔjæm tæŋ
N	محل زندگی اجداد، خانه پدری	N+N	جا و مکان + خانه	dʒa + mal	dʒa mal
Adj	مغرور	N+Adj	سر + پرو زیاد	seræ+ pær	seræ pær
N	اهمیت دادن، سرپرستی کردن	N+N	یاد + دارنده	vir+ dar	vir dar

۴-۴. ترکیب‌های استعاری

در ترکیب‌های استعاری یکی از عناصر ترکیب حاوی معنای استعاری است و همین مسئله باعث می‌شود که کل ترکیب به معنایی غیر از معنای اجزای سازنده‌اش اشاره کند که دربرگیرنده استعاره نیز می‌باشد. در زبان لکی مواردی از این نوع ترکیب‌های برون‌مرکز یافت می‌شوند که نمونه‌هایی از آن‌ها در جدول (۱۷) آمده است. در اولین مورد از مثال‌های مطرح‌شده در جدول (۱۷)، آتش به صورت استعاری به معنای خشم و خشونت است و در نتیجه ترکیب *ageræ-dæm* یک ترکیب برون‌مرکز استعاری به شمار می‌رود. لفظاً یعنی کسی که در دهان خود آتش دارد اما به طور استعاری یعنی کسی که با جار و جنجال کلامی در پی ایجاد دعوا و تنش است.

جدول ۱۷.

ترکیب‌های استعاری

مقوله ترکیب	معنای ترکیب	معنای اجزا	اجزای سازنده	واژه مرکب لکی
A	دارای زبان تند و آتشین	آتش + دهان	ʔageræ + dæm	ʔageræ-dæm
A	خسیس؛ کورنان	آب + تلخ	ʔaw + tijal	ʔaw-tijal
A	دارای گردن باریک	نوعی گیاه غده‌ای + گردن	piʃuk + mel	piʃuk-mel

مقوله ترکیب	معنای ترکیب	معنای اجزا	اجزای سازنده	واژه مرکب لکی
N	آدم نفهم؛ آدم قوی‌هیکل	نر + خر	nēræ + xær	nēræ-xær
N	نونپال	نپال + تر	tül + tær	tül-tær
N	عزیزدل؛ فرد عزیز	ستون + دل	sotün + del	sotün-del

۴-۵. برون‌مرکزیت در اثر تغییرات زبانی یا تحول اجتماعی

بائر (۲۰۰۸) برای کلمات مرکب برون‌مرکز که به مرور زمان دچار تحول معنایی شده‌اند، دو مثال از زبان فارسی ذکر می‌کند. یکی «آب‌وهوا» که به معنای «آب» و «هوا» نیست بلکه به معنای شرایط جوی یا climate انگلیسی است. کلمه دیگری که بائر مثال می‌زند، «سروصدا» می‌باشد که به معنای آشوب و شلوغی به کار می‌رود و نه به معنای «سر» + «صدا». در زبان لکی نیز مواردی از واژه‌های مرکب یافت می‌شود که با گذشت زمان تحول معنایی پیدا کرده‌اند و معنای کلیت آن‌ها را امروزه نمی‌توان از معنای اجزای سازنده‌شان دریافت کرد. از نظر بائر (۲۰۰۸) این نوع کلمات واژگانی شده‌اند و گویشوران آن‌ها را نه به عنوان ترکیبی از دو یا چند واژه مجزا بلکه به عنوان یک اصطلاح یکپارچه در حافظه خود ذخیره می‌کنند. در جدول (۱۸) چند نمونه از این نوع ترکیب‌های برون‌مرکز در زبان لکی آمده است.

جدول ۱۸.

واژه‌های مرکب تحول یافته

مقوله ترکیب	معنای ترکیب	معنای اجزا	مقوله اجزا	اجزای سازنده	واژه مرکب لکی
A	حیف‌نان؛ بی‌خاصیت	نان + شکم	N + N	nan(N)+læm(N)	nan-læm (A)
N	شرم؛ حیا	چشم + رو	N + N	ʃəjæm(N)+rü(N)	ʃəjæm-rü (N)
N	خنده مرموز و معنادار	لب + زردی	N + N	lü(N)+zærdki(N)	lü-zærdki (N)
A	مطیع	گوش + مشتم	N + N	guʃæ(N)+məʃt(N)	guʃæ-məʃt (A)
A	خسته؛ کوفته	جان + بریدن	N + V	lu(N)+ber(V)	lu-ber (A)
A	بی‌خیال	کلاه + کج	N + A	kelow(N)+lar(A)	kelow-lar (A)

مثال‌های ارائه شده در جدول (۱۸) حاکی از آن است که تغییرات طبیعی زبان یا تحولات اجتماعی که طی سالیان متمادی به وقوع می‌پیوندد یکی از علل و عوامل مؤثر بر تغییر معنایی واژه‌های زبان است. یکی از پیامدهای این تغییر معنایی می‌تواند پیدایش واژه‌های مرکب برون‌مرکز باشد که شاید در زمان‌های قدیم درون‌مرکز بوده‌اند و گویشوران می‌توانستند معنای آن‌ها را از روی اجزای سازنده به دست آورند. همان‌طور که در جدول (۱۸) مشاهده می‌شود، واژه‌های مرکبی که در اثر تحولات زبانی / اجتماعی به برون‌مرکز تبدیل شده‌اند از مقوله اسم یا صفت هستند و اغلب برای بیان یا توصیف ویژگی‌ها، رفتارها و مفاهیم مرتبط با انسان به کار می‌روند.

۵. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر ترکیب‌های برون‌مرکز در زبان لکی براساس طبقه‌بندی بائر (۲۰۱۷) بررسی شدند. نتایج این بررسی نشان داد که همه انواع ترکیب‌های برون‌مرکز در طبقه‌بندی بائر در زبان لکی نیز یافت می‌شوند. این انواع عبارتند از شامل بهووری، ترکیبی، هم‌پایه، استعاری و تحول‌یافته که ساختار هر یک از آن‌ها از لحاظ اجزای سازنده و رابطه بین اجزا مورد بررسی قرار گرفت. مشخص شد که تنوع ساختاری ترکیب‌های برون‌مرکز بهووری و ترکیبی به مراتب بیش از سه نوع دیگر است. یکی از ویژگی‌های مهم ترکیب‌های برون‌مرکز در زبان لکی، کاربرد پرسامد نام اندام‌های بدن انسان و حیوانات در آن‌ها است. این موضوع ریشه در این واقعیت دارد که سبک زندگی مردم لک‌زبان از قدیم مبتنی بر کشاورزی و دامداری بوده و به همین خاطر برای انجام امور روزمره بیش‌ترین استفاده را از اندام‌هایی مانند دست و پا داشته‌اند.

همچنین با گریزی به زبان‌شناسی شناختی می‌توان اشاره کرد که براساس این دیدگاه، شناخت انسان بدن‌مند^۱ است و بر نقش بدن و اندام‌های بدن انسان بر مفهوم‌سازی ذهنی او تأکید می‌شود. فقدان هسته در ترکیب‌های برون‌مرکز باعث شکل‌گیری ساختارهای متفاوت برای این نوع ترکیب‌ها و ارجاع معنا به جهان خارج از زبان می‌شود و این امکان را به گویشوران می‌دهد که مفاهیم متعدد و متنوع مورد نظرشان را با کنار هم قراردادن واژه‌های موجود در زبان خود ایجاد کنند. در این فرایند، واژه‌سازی مجاز و استعاره به مثابه دو سازوکار شناختی اساسی در ذهن انسان نقش مهمی ایفا می‌کنند و گویشوران را قادر می‌سازند تا دست به مفهوم‌سازی‌های خلاقانه بزنند. در نتیجه واژه‌های مرکب برون‌مرکزی به‌وجود می‌آیند که معنای کلیت آن‌ها به راحتی از معنای اجزای‌شان قابل دریافت نیست.

عقاید، نگرش‌ها و آداب و رسوم فرهنگی نیز نقش بارزی در جنبه معنایی ترکیب‌های برون‌مرکز در زبان لکی دارند. از این نظر، واژه‌های مرکب این زبان می‌توانند مثل آینه‌ای باشند که بخشی از فرهنگ گویشوران لکی را منعکس می‌کنند. از آن‌جا که این واژه‌ها غالباً قدمتی طولانی دارند، مطالعه ابعاد فرهنگی آن‌ها می‌تواند ما را به درک عمیق‌تری از پیشینه فرهنگی و جهان‌بینی مردم لک‌زبان در گذشته‌های دور برساند. در مجموع، افزون بر بدن‌مندی^۲، استعاره و مجاز که مفاهیمی کلیدی در رویکرد شناختی به زبان هستند و نقش آن‌ها در مفهوم‌سازی به اثبات رسیده است، بحث فرهنگ، سبک زندگی و محیط اجتماعی نیز سهم قابل توجهی در مفهوم‌سازی‌های زبانی گویشوران لکی ایفا می‌کنند. مطالعه واژه‌های مرکب این زبان را می‌توان یکی از راه‌های آشنایی با جهان‌بینی، فرهنگ و روابط اجتماعی لک‌زبانان به‌شمار آورد.

^۱ embodied

^۲ embodiment

منابع

- آزادپور، رضا (۱۳۹۲). *گویش لکی: آواشناسی، دستور، واژگان*. قم: نگاران نور.
- ایزدپناه، حمید (۱۳۹۱). *فرهنگ لکی*. تهران: اساطیر.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۳). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*، جلد ۲. تهران: سمت.
- طباطبائی، سیدعلاءالدین (۱۳۸۲). *اسم و صفت مرکب در زبان فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- عزیزی، زینب (۱۳۹۴). *بررسی فرایندهای واژه‌سازی در گویش لکی بر اساس نظریه زایشی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، سنندج: دانشگاه کردستان.
- غلامی، بهادر (۱۳۹۵). *فرهنگ باساک: ریشه‌شناسی واژگان زبان لکی*. خرم‌آباد: پراکنده.
- کیانی کولیوند، کریم (۱۳۹۰). *فرهنگ و واژه‌نامه لکی (فرهنگ کیان)*. دو جلد. خرم‌آباد: سیفا.
- Aronoff, M. (1976). *Word formation in generative grammar*. Cambridge: MIT Press.
- Bauer, L. (1983). *English word formation*. New York: Cambridge University Press.
- Bauer, L. (2008). Exocentric compounds. *Morphology*, 18:51–74.
- Bauer, L. (2017). *Compounds and compounding*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Booij, G. (2007). *The grammar of words: An introduction to linguistic morphology* (2nd ed.). Oxford: Oxford University Press.
- Fabb, N. (1998). *Compounding*. in A. Spencer and A.M. Zwicky (eds). *The handbook of morphology* (pp. 66-83). Oxford: Black well.
- Haspelmath, M. (2002). *Understanding morphology*. London: Arnold
- Katamba, F. (1993). *Morphology*. Macmillan: Macmillan Press LTD.
- Lieber, R. W. (1980). *The organization of the lexicon*. Doctoral dissertation. MIT.